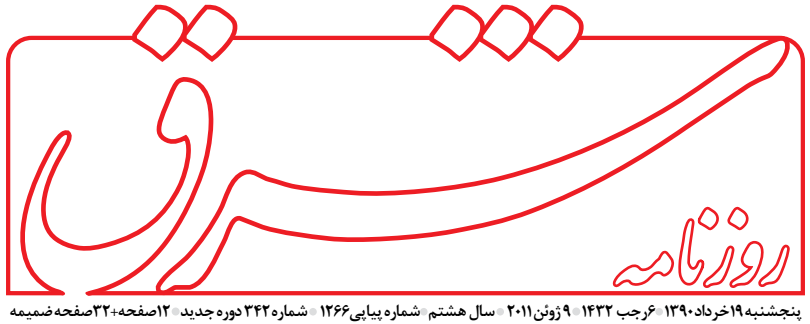




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۴-۸۸۶۵۴۳۹۱-۸۸۸۸۰۷۱۹-۸۸۸۸۰۷۱۹-۸۸۶۵۸۵۷۵
تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰-۵-۴۴۵۴۵۰۷۷
www.sharhnewsaper.ir
تهران : اذان ظهر ۱۳:۰۳ اذان مغرب ۲۰:۴۰ اذان صبح فردا ۴:۰۳ طلوع آفتاب ۵:۴۸



انتخاب دوباره رشیدی برای ریاست انجمن بازیگری
شرق: داود رشیدی رییس انجمن بازیگران سینمای ایران شد. روابط عمومی انجمن بازیگران سینمای ایران اعلام کرد: «اعضای شورای مرکزی به اتفاق آرا داود رشیدی را مجدداً به عنوان رییس شورا انتخاب کرده و در بخش‌های دیگر نیز: مریلا زارعی نایبرئیس و مسوول امور مالی، علی دهکردی دبیر اجرایی و حبیب دهقان نسب به عنوان منشی جلسات انتخاب شده و مسوولیت‌های دیگر نیز در جلسات بعدی شورا مشخص و به اطلاع خواهد رسید.»

مطالعات فرهنگی ایرانی

ایران؛ سرزمین تناقض‌ها

نعمت‌الله فاضلی

نویسنده و استاد دانشگاه



■ در جامعه پیشامدرن و سنتی ایران، نیازی به داشتن تصور و اندیشه‌ای معین درباره کلیت جامعه ایران حداقل برای توده‌های مردم وجود نداشت. انسان ایرانی پیشامدرن که عمدتاً زندگی ایلی و روستایی داشت از هیچ طریقی در یک جامعه کلی ادغام نشده بود و به کمک هیچ نظام یا شبکه سراسری از مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با کلیتی به نام ایران پیوند نخورده بود. انسان ایرانی پیشامدرن در قبیله زندگی می‌کرده او با کمک مفاهیمی چون تبار، خون، خویشاوندی و مرتع و زمین، هویت ملی، بومی و منطقه‌ای خود را شکل می‌داد. برای انسان ایرانی پیشامدرن جامعه همان طایفه، کلان، خاندان و قبیله‌اش بود. از این رو انسان پیشامدرن ایران چندان ضرورتی نداشت که خوشتن و هستی خود را در چارچوب مفهوم کلی‌ای به نام ایرانی تعریف کند. او به کمک مجموعه مناسبات، ارزش‌ها، مفاهیم و مسائلی که از خاندان و قبیله‌اش سرچشمه می‌گرفت، هویتش را تعریف می‌کرد. برای انسان پیشامدرن ایرانی ضرورتی نداشت که به این پرسش پاسخ دهد که ایران چگونه جامعه‌ای است؟ اما به تدریج با ورود جامعه ایران به عصر مدرن و تحول جامعه ایران از یک جامعه ایلی و روستایی به جامعه شهری و تحول اقتصاد ایران از یک اقتصاد معیشتی مبتنی بر کشاورزی به یک اقتصاد مبتنی بر صنعت و همچنین تحول نظام سیاسی ایران از یک نظام مبتنی بر فرهنگ سیاسی غیرمتمرکز به نظام سیاسی مبتنی بر دولت ملی به تدریج راه را برای شکل‌گیری تحیل فرهنگی تازه‌ای مبتنی بر بد فقهی از جامعه ایران به مثابه یک کل هموار شد. ایرانی در بستر تحولات مدرن به تدریج شرایط عینی و ذهنی تازه‌ای را تجربه کرد که در این شرایط نوین یکی از نیازهای ضروری‌اش داشتن تصور و پندار منسجم از کلیت جامعه ایران بود. در این شرایط نوین، جامعه ایران به تدریج از یک آنسجام و یکپارچگی برخوردار شد. پیدایش دولت ملی که ریشه‌های آن از انقلاب مشروطه آغاز شد و در دولت اول پهلوی تحقق یافت و پیامدهای پیدایش دولت ملی زمینه تحیل تازه ایرانی بودن را فراهم ساخت. در شرایط نوین دولت ملی تلاش کرد تا از طریق سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، به ملت‌سازی بپردازد. ناسیونالیسم ایده کانونی این سیاست‌گذاری بود. زبان فارسی، مذهب تشیع، شبکه‌های وسیع ملی مانند ارتش ملی، نظام آموزش و پرورش ملی، دیوان‌سالاری، پول ملی، آیین‌های ملی و بسیاری از راهبردهای فرهنگی دیگر در خدمت شکل دادن به تحیل فرهنگی انسان ایرانی قرار داشتند. با تولید رسانه‌ها و وسایل ارتباطی جدید یعنی مطبوعات، مخابرات، رادیو، تلویزیون و اخیراً اینترنت، موضوع شکل‌گیری تحیل تازه فرهنگی مبتنی بر داشتن تصور یکپارچه از مفهوم ایرانی بودن تقویت شد. به ویژه آنکه دولت‌ها در ایران معاصر حاکمتر تلاش خود را برای بهره‌گیری از این مجموعه ابزارهای ارتباطی و رسانه‌ای برای شکل دادن به تحیل یکپارچه ایرانی به خرج دادند. اما تحولاتی که در دوران مدرن رخ می‌داد، دارای ماهیتی متناقض بودند: از یک سو پیدایش دولت ملی و ضرورت شکل‌گیری ملت واحد و خلق شبکه‌های ملی و پیدایش ابزارهای رسانه‌ای و ارتباطی جدید، همه کمک کرد تا تحیل انسان ایرانی حول و حوش معنایی واحد و همگن از ایرانی بودن حرکت کند. اما به طور همزمان مجموعه‌ای از فرآیندهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نیز انسان و جامعه ایرانی را به سوی مرکزریز و پاره پاره شدن فرهنگ ایرانی سوق می‌داد. در جامعه پیشامدرن ما از نظر نسلی تنها نسل مذکر بزرگسال را داشتیم اما در جامعه جدید کودکان و جوانان دارای هویت و خواهان حقوق مستقل شدند. همچنین زنان به عنوان یک گروه اجتماعی خواهان حقوق مستقل شدند. به علاوه در نتیجه تولید و مصرف انبوه کالاها و آشنایی گسترده مردم ایران با شیوه‌ها و سبک‌های زندگی در سراسر جهان، تحولی تازه در مسیر سبک زندگی ایرانی به وجود آمد و نوعی تکثر در سبک زندگی شکل گرفت. در نتیجه این تناقض‌ها جامعه ایرانی ماهیت بسیار پیچیده و فرآینچیده پیدا کرده است. از یکسو برای عامه مردم این پرسش وجود دارد که جامعه ایران چگونه جامعه‌ای است و ایرانی کیست و از سوی دیگر و در نتیجه تناقض بین همگنی و ناهمگنی، تمرکزگرایی و تمرکززدایی، تکثر و یکپارچگی، هر روز بیش از گذشته، بر پیچیدگی جامعه ایران افزوده می‌شود. این پیچیدگی‌ها پرسش جامعه ایران چگونه جامعه‌ای است را به ذهن همه می‌رساند و هم پاسخ به آن را به امری محال تبدیل می‌کند. بر این پیچیدگی وضعیت کنونی می‌توان پیچیدگی ناشی از تراکم و انباشت تجربه‌های تاریخی چند هزارساله جامعه ایران را نیز افزود. بنابراین باید به محققان اجتماعی حق داد که در پاسخ به پرسش جامعه ایرانی چگونه جامعه‌ای است، سردرگم شده و هر کس به نوعی آن را تعریف می‌کند: یکی آن را کلنگی، دیگری پیش‌بینی‌ناپذیر، یکی در حال گذار، دیگری سنتنی و یکی مثل من آن را جامعه مدرن می‌شناسد. شاید این هم نوعی ساده‌لوحی دانشگاهی باشد که بخوایم با یک برچسب، این جامعه تو در تو و چند لایه و فرآینچیده را توصیف کنیم. بهتر است از مردم بخوایم تا اطلاع ثانوی از طرح این پرسش که جامعه ایران چگونه جامعه‌ای است، دست بردارند.

شرق

تناولی در آستانه نمایش «هیج» هایش در گالری ۱۰ تهران: راضی نبودم در شهر کورها پادشاهی کنم



هنوز این مجسمه‌ها محبوب هستند. او این آثار را هم با برنز و هم با فایبرگلاس ساخته؛ «هیج»‌های برنزی گران‌قیمت‌ترند؛ در عوض «هیج»‌های فایبرگلاس ارزان‌ترند و ضمناً به رنگ‌های آبی، صورتی و...

عدم توفیق این مجسمه‌ساز در ساخت کارخانه «هیج»‌سازی مانع ساخت این آثار نشد، چرا که او دست تنها و با پشتکار همیشگی‌اش، ۵۰ سال پیش ساخته شده‌اند، جزو محبوب‌ترین آثار این هنرمند محبوب می‌شوند. تناولی به جایی رسید که خواست نشان دهد، «هیج» در حقیقت یک وجود است و شکل و بدنه و حجم دارد. اما ساخت مجسمه‌های «هیج»، واکنش اعتراضی این مجسمه‌ساز به شرایط حاکم بر زندگی‌اش در دهه ۴۰ هستند. تناولی می‌گوید: «در آن سال‌ها نقاشان زیادی به مکتب سقاخانه کشیده شدند و بیشتر آنها، خط را اساس کار خود قرار داده بودند. این حوادث که در ظاهر به گسترش مکتب سقاخانه منتهی شد، به جای آنکه من را خشنود کند باعث دلزدگی‌ام شد، چون احساس می‌کردم خط وسیله‌ای برای عده‌ای نقلاش شده از همین‌رو تا حد ممکن از خط کناره گرفتیم و به یک تک کلمه قناعت کردم. «هیج»

زیاد اهل برپایی نمایشگاه نیستم
تناولی در این نشست خبری که شامگاه ۱۷ خرداد در گالری ۱۰ برپا شد، به این اشاره کرد که زیاد اهل نمایش و نمایشگاه گذاشتن نیست. او البته برای حرف خود دلیل دارد: «برپایی نمایشگاه معنایی مشخص دارد، شما وقتی می‌گذارید، آخرین نمایشگاه درست و حسابی‌ام هست، ۹ سال پیش در موزه هنرهای معاصر برپا شد و البته در سال پیش هم جواهراتم را بعد از چند سال در گالری ۱۰ عرضه کردم.»

ماجرای کارخانه «هیج»‌سازی
حدود ۱۵ سال پیش ساخت مجسمه‌های «هیج» تناولی آنقدر با استقبال مواجه شد که این هنرمند تصمیم گرفت یک کارخانه «هیج»‌سازی تأسیس کند. او در این باره می‌گوید: «قرار بود کارخانه در جاجرد راه‌اندازی شود و حتی ما در مجلات هنری هم اعلان و آگهی مربوط به این کار را منتشر کردیم. اما یک نفر برای سرمایه‌گذاری با پیش نگذاشت. ما می‌خواستیم «هیج»‌ها را به شهرستان‌ها صادر کنیم، شاید باور نکند چه قصایدی از شهرهای مختلف برای هیچ‌های من که سروده نشد. مردم به «هیج»‌های من علاقه‌مندند. بزرگ‌ترین شانس‌ام این بود که «هیج»‌های من مردمی شد. روشنفکرها «هیج»‌های من را تحویل نگرفتند اما در عوض علاقه مردم به این دسته آثار فراتر از حد تصور بوده است.» تناولی چند بار پیش می‌گفت ساخت مجسمه‌های «هیج» چنان رونق گرفته که فرصت سر خراندن ندارد. حتی به طنز می‌گفت ویروس «هیج»‌سازی در تن همه افتاده. جالب اینجاست که

پاتوق

گفت‌وگو با عباس عبدی امید به آینده سهام‌الدین بورقانی



دارم و این رقم کمی نیست، ولی چرا می‌گویند که کم می‌نویسم؟ دلیل این است که نحوه نوشتن من به گونه‌ای است که در این فضا به چشم برخی‌ها نمی‌آید و شاید همه مخاطبان را پوشش ندهد و بنده هم دغدغه این روزهایش. کب

عباس عبدی، روزنامه‌نگار و پژوهشگر مسایل اجتماعی و سیاسی مثل خیلی‌های دیگر نگاشتی به آینده است، گفت‌وگویی کوتاه با او انجام دادیم تا هم حال و احوالی پرسیده باشیم و هم نگاه و دغدغه این روزهایش. کب
مختصرمان را با او بخوانید:
۱۰ مهم‌ترین دغدغه فکری‌تان این روزها چیست؟ چه مسائلی بیشتر ذهن‌تان را درگیر می‌کند؟
دغدغه من هم مثل بسیاری از دیگران این است که با ادامه این وضع و مسیر، چه روشنی را باید برای میهن خود انتظار داشته باشیم؟ هرچند نوع دغدغه من از این حیث که متوجه هر دو طرف ماجرا (پوزرسیون و پوزرسیون) است، تا حدی با دغدغه دیگران متفاوت است. توجه من بیش از اینکه به حکومت و ساخت قدرت معطوف باشد، به منتقدان است و گمان می‌کنم که این طرف ماجرا باید عقلانی‌تر، آگاهانه‌تر و با تحلیل‌تر نسبت به مسایل برخورد کند.
۱۱ فضای سیاسی کشور را به طور کلی چگونه می‌بینید؟ امیدوار هستید یا نه؟
گمان می‌کنم تغییراتی در ماه‌های گذشته رخ داده، امید به آینده و دسترسی به تفاهم ملی را افزایش داده است، هرچند نه در کوتاه مدت.

فیروزه مظفری

firoozeh.mozaffari@gmail.com



تلقی

نشست نقد و بررسی «اقلیم خاطرات» با حضور «محمود دولت‌آبادی» عروس امام (ره): به ابهامات درگذشت سیداحمد پاسخ می‌دهم



عکس: علی رضا طبیبی

شرق: نشست نقد و بررسی کتاب «اقلیم خاطرات» نوشته «فاطمه طباطبایی» عروس حضرت امام خمینی (ره) دوشنبه عصر با حضور «فاطمه طباطبایی، حجت الاسلام و آیت الله العظمی جعفریان»

است. به گفته «طباطبایی» امام (ره) با مشی سیاسی «تواب صوفی» موافق نبودند اما با این حال به دستگیری و زندانی شدن «تواب صوفی» هم اعتراض داشتند. «طباطبایی» درباره مستندات این مساله می‌گوید: «وقا نام مستعار فردی است که تمایلی به شناخته شدن نداشت و دلایلی دارد که الان نمی‌توانم بیان کنم که او مظفر را فردی ایرانی ساکن عراق معرفی کرده. همچنین عدم ذکر سند برای شنیده‌ها به دلیل آن است که از چند نفر شنیده‌ام و تکمیل کتاب همچنین آنچه به یاد دارم شاید امام (ره) با کار نواب صوفی موافق نبودند اما با اعدام و زندان ایشان هم راضی نبودند و از آیت‌الله بروجردی می‌خواستند که اقدام کند. اعدام نشود و منظور من تأیید امام (ره) از کار نواب صوفی نیست و گفتمند بودند. حتی پدرم مدتی منزل آیت‌الله بروجردی رفت و آمد نمی‌کردند.» بخش دیگری از کتاب «اقلیم خاطرات» به «مصطفی خمینی» فرزند امام (ره) اختصاص دارد. دیگر سخنرانان این مراسم «محسن بهشتی‌سرشت» مدیر گروه تاریخ پژوهشگاه امام خمینی (ره) بود که گفت: «خاطرات شهید چمران، حالات عرفانی و سیاسی او بسیار جالب بود، همچنین شرح شهادت حاج آقا مصطفی، بی‌ثباتی مادر ایشان و آرامش امام (ره) از سویی دیگر که این مطالب در جایی خوانده‌ایم و نکات ریزی که نویسنده در رابطه با این موضوع اشاره کرده است، همچنین با احترام از افرادی نام برده که از زمان در کنار اسام بوده اند از نکات مثبت این اثر است. رئیس کتابخانه مجلس «رسول جعفریان» پنهان از شخصیتی که تاریخ ملتی را متحول کرده، دبیر این نشست از دیگر سخنرانان این مراسم بودند.

روزنامه نگار نوشت

در مذمت سنت شفاهی نویسی

پژمان موسوی



■ سنت شفاهی گوینی و شفاهی نویسی در روزنامه‌نگاری ایران دیگر چیزی نیست که بتوان آن را انکار کرد و به آسانی از کنار آن گذشت؛ به حال هم تنیغ نقد انتقادهای به سمت و سوی روزنامه‌نگاران بوده است که آنها هستند که نویسندگان، روشنفکران و فعالان حوزه‌های مختلف را به شفاهی‌نویسی عادت داده و این سنت نامیمون را در روزنامه‌نگاری ایران تثبیت کرده‌اند. شاید این حرف تا حدی درست باشد که هست (و آن هم به ذات این حرفه که همانا سرعت در انتشار اخبار و اطلاعات است) اما این تمامی واقعیت نیست واقعیت بسیار تلخ‌تر این حرفه‌است. باید روزنامه‌نگار باشد تا عمق قضیه را درک کند. گویا دیگر حوصله‌ها به سر آمده است، قلم‌ها خشک شده و یادداشت‌نویسی از روزنامه‌نگاری ما رخت برسته است. به هر که رنگ می‌زنی و از او یادداشت می‌خواهی، بی‌درنگ با این پاسخ روبه‌رو می‌شوی که «وقت ندارم و اگر امکان دارد با فردی دیگر در همان حوزه صحبت کنید.» اما اگر بی‌درنگ به او بگویید که استا اگر بفرمایید من یادداشت می‌کنم دیگر نه تنها با مخالفت او روبه‌رو نمی‌شوید که با استقبال او هم مواجه شده و بی‌فوت وقت، پذیرای دیدگاه‌های او می‌شوید. به راستی مشکل کجاست؟ در گفتن چه ویژگی‌ای نهفته است که در نوشتن نیست؟ چرا بسیاری از اساتید، نویسندگان، منتقدان، فعالان مدنی و... گفتن را به نوشتن ترجیح داده و از نوشتن می‌گریزند؟ آیا جز این است که بسیاری از آنان اساساً نوشتن برای مطبوعات را فرعی بر اصل تلقی می‌کنند و آن اهمیتی که باید به رسانه‌ها بدهند را به آنها نمی‌دهند؟ و این در حالی است که حداقل در جامعه ایران که مطبوعات و رسانه‌ها کار دهایی به مراتب فراتر از سایر جوامع یافته و وظایف بسیاری از نهادهای اجتماعی و مدنی دیگر را نیز برعهده گرفته‌اند، این فرع تلقی کردن مطبوعات بزرگ‌ترین اشتباهی است که آنها مرتکب می‌شوند. در واقع، وقت گذاشتن برای مخاطب و نوشتن برای آنها نه تنها می‌تواند به حل بسیاری از معضلات اجتماعی و فرهنگی بینجامد که می‌تواند در گسترش آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی به آنها نیز نقشی تعیین‌کننده ایفا کند. در جامعه‌ای که میانگین سرنانه مطالعه در آن به حد چند دقیقه در روز می‌رسد، حداقل انتظار از بخش آلیت جامعه این است که در تشویق مردم به مطالعه با نگرارش مطالب پربار و خواندنی پیش‌قدم شده و ناامیدی و بی‌انگیزگی را به آنها القا نکنند. مخاطب به آسانی یادداشتی را که برای آن وقت گذاشته شده است را از یادداشت شفاهی ترجیح داده و ناخودآگاه پیگیر آن می‌شود و به عکس از یک یادداشت سطحی به آسانی عبور کرده و این حس را به خود منتقل می‌کند که وقتی بخش پیشرو جامعه حتی انگیزه نوشتن یک یادداشت را ندارند دیگر چه امید به اصلاح؟ اگر چه ممکن است این موضوع یکی از دغدغه‌های روزنامه‌نگاری چون من در هر روز کاری خود باشد اما به نظر می‌رسد حل این موضوع نه تنها در حرفه ما، که در بخش زیادی از جامعه تأثیرگذار بوده و حل آن نماد حل معضلی بزرگ به نام بی‌انگیزگی و کم‌کاری با توجه‌های مختلف باشد.

رویداد

کنسرت «خینا» در ایوان ششی

■ شرق: گروه خینا به سرپرستی پری ملکی و به نفع موسسه خیریه مهر طه زیرسقف تالار ایوان ششم می‌نوازند و می‌خوانند. به گزارش روابط عمومی موسسه خیریه مهر طه، کنسرت همخوانی و همواری گروه خینا به سرپرستی «پری ملکی» ۲۴ خرداد ماه سال‌جاری از ساعت ۲۱ در تالار ایوان ششم با عنوان «در گذر عمر» اجرا می‌شود. علاقه‌مندان برای دیدن و شنیدن این کنسرت، می‌توانند برای تهیه بلیت به موسسه مهر طه واقع در خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی، کوچه شهید، پلاک ۱۰ مراجعه کنند یا برای سفارش بلیت و تحویل رایگان آن با شماره تلفن‌های ۲۲۷۳۸۰۰۷ و ۲۲۷۳۸۰۰۷ تماس بگیرند.

